

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: فریدریش انگلس
برگردان: بهمن شفیق
۰۳ جولای ۲۰۲۲

کارگران و استعمار: نامه انگلس به کائوتسکی

از من می‌پرسی که کارگران انگلیس درباره سیاست استعماری چگونه فکر می‌کنند. خوب، دقیقاً همانطوری که درباره سیاست به طور کلی فکر می‌کنند: همانطور که بورژوازی فکر می‌کند. در اینجا حزب کارگری نیست. می‌بینی که تنها محافظه کارها و لیبرال-رادیکال‌ها هستند و کارگرها هم با خوشحالی در جشن سور و سات انحصارات انگلستان در بازار جهانی و مستعمرات شریک می‌شوند.

یادداشت:

نبرد اوکراین نه فقط بررسی دقیق‌تر تکامل سرمایه داری معاصر و شناخت روندهای منتهی به این جدال بزرگ تاریخی-جهانی را به امری حیاتی بدل کرد، بلکه همچنین به مباحثاتی در باب تاریخ جنگهای جهانی و همچنین تاریخ چند صد ساله تکامل سرمایه داری از دوران استعمار تاکنون نیز دامن زد و یک بار دیگر پانورامای وسیع تمام این تاریخ را در مقابل دیدگان عمیق‌ترین ناظران و دست اندرکاران جدال جهانی کنونی گشود و به جنگی همه جانبه بر سر بازتعریف نقش نیروهای متخاصم جهان کنونی بر بستر تاریخ دامن زد.

و آثار باقی‌مانده از مارکس و انگلس در رابطه با نقش دول استعماری، بدون تردید در این بازبینی جایگاهی رفیع را اشغال می‌کنند. ناظرانی که در شمار عینی‌ترین و علمی‌ترین قضاوت‌کنندگان دورانی از توسعه سرمایه داری و استعمار به نگارش آثار متعددی در این زمینه دست زدند. مباحثاتی که در دوره‌های معینی به عرصه‌هایی بسیار مؤثر در شکاف در جنبش کارگری منجر شدند. جلوه‌های متفاوتی از عناصر مختلف این مباحثات آتی را در سطح مقدماتی در یادداشت کوتاه حاضر از انگلس می‌توان دید. هم از رویکردی که در زمینه تصرف مستعمرات توسط پرولتاریا به میان می‌آید تا به سرعت ملزومات استقلال آن کشورها را فراهم کند و هم از عدم تحمیل سعادت به ملتی دیگر توسط زور که به تعبیر انگلس به سست کردن پایه‌های پیروزی خود پرولتاریا منتهی خواهد شد. این‌ها نخستین مشکلاتی مربوط به مسئله مستعمرات و ستمگری استعمار در جنبش کارگری را به نمایش می‌گذارند و هیچ درجه‌ای از موشکافی متفکری مانند انگلس نمی‌توانست مرزهای تاریخی پیش روی جنبشی را در نوردد که هنوز در حال ورود به این دشواریها بود. با این حال نمی‌توان از پیش‌بینی‌های داهیانه انگلس حیرت زده نشد که در همین یادداشت کوتاه در رابطه

با سرنوشت متفاوت مستعمراتی از قبیل استرالیا با الجزایر خودش را نشان می‌دهد و دقیقاً به همان ترتیبی محقق شدند که این فرزانه جنبش کارگری عنوان کرده بود.

با این همه، هیچ کدام از این‌ها باعث آن نشدند که دست به ترجمه این یادداشت بزنم. ترجمه این یادداشت در حقیقت پاسخی است به شعاری که برخی بازنشستگان در اقدامات اعتراضی هفته‌های اخیر در شهرهایی به میان کشیدند. «سفارت روسیه، مرکز جاسوسیه» بارزترین این شعارها بود که به شکل دردناکی بی پاسخ ماند و هیچ نقدی را به دنبال نداشت. شعاری که می‌باید به کوبنده‌ترین وجهی مورد انتقاد کمونیستی قرار بگیرد. یادداشت حاضر ادای سهمی است در این انتقاد و به این امید که حساسیت لازم را در میان کمونیستها برانگیزد. انگلس بی پرده و بدون هیچ تردیدی به سخت‌ترین قضاوت درباره رویکرد جنبش کارگری نسبت به مسأله مستعمراتی دست می‌زند که در حقیقت همان رویکرد بورژوازی است. انتقادی که با بیان مشارکت کارگران در سور و سات انحصارات انگلستان در بازار جهانی از تلخی و گزندگی آشکاری نیز برخوردار می‌شود. اما انگلس نیز با تمام درایت و وسعت آگاهی‌اش نمی‌توانست کوچکترین تصویری از این داشته باشد که زمانی در کشورهای جنبش کارگری رو به شعارهایی می‌آورد که نه تنها به مشارکت در سور و سات انحصارات و به تبع آن بهره‌وری از غنائم بورژوازی خودی منجر نمی‌شود بلکه حتی به تمجید از ارتجاعی می‌پردازد که در صورت تفوق همان داشته‌های جنبش کارگری را نیز از آن خواهد ربود. چه کسی است که نداند که «سفارت روسیه، مرکز جاسوسیه» فقط شعاری علیه روسیه نیست، بیش از آن کاسه لیسی برای امریکا و اروپا است و در یوزگی تقاضای قیمومیت از آنان. امریکا و اروپایی که دست بر قضا برای اکثریت خردکننده ای از همان بازنشستگان سرنوشت سیاهی از زندگی در فقر را تدارک می‌بیند. آن هم برای آنانی که بتوانند پس از رسیدن به سن بازنشستگی لااقل برای چند سالی زنده بمانند. و این البته برای کارگران کارهای سخت و دشوار چندان طولانی نیست. حیرت‌انگیز است که چگونه جمعیتی بازنشسته که ساده‌انگاری سالهای جوانی را مدتهاست پشت سر گذاشته‌اند و قاعدتاً باید در اوج خردورزی قرار داشته باشند، اینچنین دچار حماقت توده‌ئی می‌شوند.

بهمن شفیق

۸ تیر ۱۴۰۱ / ۲۹ جون ۲۰۲۲

نامه به کانوتسکی

از من می‌پرسی که کارگران انگلیس درباره سیاست استعماری چگونه فکر می‌کنند. خوب، دقیقاً همانطوری که درباره سیاست به طور کلی فکر می‌کنند: همانطور که بورژوازی فکر می‌کند. در اینجا حزب کارگری نیست. می‌بینی که تنها محافظه‌کارها و لیبرال-رادیکال‌ها هستند و کارگرها هم با خوشحالی در جشن سور و سات انحصارات انگلستان در بازار جهانی و مستعمرات شریک می‌شوند.

به نظر من مستعمره‌های برگزیده‌تر، یعنی کشورهایی که جمعیت اروپایی در آن‌ها اسکان داده شده‌اند - کانادا، دماغه امید نیک و استرالیا - همگی مستقل خواهند شد. از طرف دیگر کشورهایی که بومیان در آن‌ها سکنی دارند و بسادگی اشغال شده‌اند - هندوستان، الجزایر و مستملکات هالندی و پرتگالی و اسپانیایی - باید بسادگی توسط پرولتاریا تصرف شده و با ممکن‌ترین سرعت به سمت استقلال سوق داده شوند.

بسختی می‌توان گفت که این پروسه چگونه طی خواهد شد. هندوستان شاید و در واقع به طور بسیار محتمل، انقلابی انجام خواهد داد و از آنجا که یک پرولتاریای دست‌اندرکار پروسه‌رئای خویشتن نمی‌تواند مرتکب یک جنگ استعماری شود، باید گذاشت کار خودش را بکند. [چنین انقلابی] بدون انواع مختلف تخریب و ویرانی به پیش نخواهد رفت اما

چنین چیزهایی به هر انقلابی تعلق دارند. همین چیز در جاهای دیگر هم می‌تواند واقع شود، به طور مثال در الجزایر و مصر و البته این بهترین چیز برای ما خواهد بود. ما خودمان در خانه خودمان به اندازه کافی کار برای انجام دادن داریم.

زمانی که اروپا و امریکای شمالی [در نتیجه انقلاب پرولتری] تجدید سازمان یافته باشند، چنان نیروی عظیم و نمونه‌ای خواهد بود که کشورهای نیمه متمدن خودشان به همین راه بروند. خود نیازهای اقتصادی البته این امر را به انجام خواهند رساند. اما در این باره که این کشورها باید از کدام فازهای اجتماعی و سیاسی گذر کنند تا خود به یک سازمان سوسیالیستی دست یابند، به نظر ما امروز فقط می‌توانیم فقط فرضیه‌هایی بی‌فایده به میان بکشیم. فقط یک چیز مطمئن است: پرولتاریای پیروزمند نمی‌تواند به زور هیچ موهبتی را به ملتی بیگانه تحمیل کند بی آن که به این وسیله پایه‌های پیروزی خود را سست کند. چیزی که البته به هیچ وجه نافی جنگهای دفاعی مختلف نیست.

فریدریش انگلس،

لندن، ۱۲ سپتامبر ۱۸۸۲